

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣٨٧ / ٤ / ١٩

٩٨٤١٥



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان:

مراتب تجرد نفس از دیدگاه فیلسوفان مسلمان  
با تأکید بر آرای علامه طباطبایی و فخر رازی

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد عابدی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر ذبیحی

۱۳۸۷ / ۴ / ۱۹

نگارنده:

جواد مصطفوی

زمستان ۱۳۸۶

۹۸۴۱۵

مجلس اعلیٰ مقامات ذریعہ تعلیم و تربیت  
تیسریں



تاریخ: ۱۳/۳/۸۷

شماره: ۱۳۱۷۰

پیوست:

« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»  
جلسه دفاعیه پایان نامه آقای : جواد مصطفوی  
رشته: فلسفه و کلام اسلامی

تحت عنوان : «تجرد نفس و مراتب آن از دیدگاه فیلسوفان مسلمان با تأکید بر آرای علامه طباطبایی و فخر رازی»  
با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۱۳/۳/۸۷ تشکیل گردید .  
در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد  
۱۸/ با حروف: خوب  بسیار خوب  خوب  قابل قبول  دریافت نمود .

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
أحمد عابدی	استاد راهنما	استاد یار	
محمد ذبیحی	استاد مشاور	استاد یار	
سید أحمد شاهرخی	استاد ناظر	مربی	
غلامحسین روحی سراجی	استاد ناظر	مربی	
محمد کاظم شاکر	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	دانشیار	

رئیس امور آموزش و تحصیلات تکمیلی  
نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده  
نام و امضاء:

نشانی:

قم، جاده قدیم اصفهان،

دانشگاه قم

کدپستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

پست آموزشی ۲۸۵۵۶۸۴

پست اداری ۲۸۵۵۶۸۶

پست دانشجویی ۲۸۵۵۶۸۸

## سپاس

از آنجا که تمام علل، شوون و اطوار علت العلل می‌باشند و غیر «او» موجود مستقلی قابل فرض نیست که منشأ اثر باشد، پس تمام شکر و شکر تمام آن یگانه را سزاست که از ممکن غیب اطوار و شوون خویش آشکار نمود و به سبحات جمال و جلال، جایی برای غیر نگذارده است. پس این وجود ضعیف با کدام زبان حمد گوید و که را ستاید که «انت الذاکر قبل الذاکرین ... انت الوهاب ثم لما وهبت لنا من الستقرضین»<sup>۱</sup>

سپاس تمام که این وجود ناچیز سراسر فقر و مسکنت را به عنایت سابق و نه به استعداد لاحق، از خرمن محبت خاندان حبیبش - صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین - بهره‌مند ساخت. تمام سرخوشی و سرمستی‌ام از این بود که در مدت تحصیل در جوار بارگاه کریمه اهل بیت - علیهم السلام - توفیق سعی بین الحرمین رضوی و فاطمی نصیب این حقیر شد و اگر نبود این عنایت، شاید این‌گونه نمی‌شد. بماند؛ اما فرموده‌اند: «أبی الله ان یجری الامور الا باسبابها»، پس این علل ناقصه و تجلیات خورشید حقیقت، از آن روی که بدو انتساب دارند و مظاهر وی‌اند، شایسته تکریم و تشریفند؛ که «من لم یشکر المنعم من المخلوقین، لم یشکر الله عز و جل».

الهی! هر که مرا در مسیر وصول به خودت و محبت اولیایت یاری رسانده، همراه حبیبیت و خاندان پاکش - درود تو بر آنان باد - قرار ده. به‌ویژه استاد راهنمای گرانقدر و صبور و مهربانم، جناب دکتر عابدی عزیز و استاد گرانقدر مشاورم، جناب آقای دکتر ذبیحی. الهی! یاوران مرا به‌ویژه همسر صبور و مهربانم که رنج سفر و حضر این مدت بر دوش آن عزیز بوده را از عنایت ویژه خویش بهره‌مند کن.

جای دارد که اینجا ارادت خویش را به ساحت نورانی علامه ذو فنون، حضرت آیت الله حسن زاده آملی که در تهیه این نوشتار از تلاش‌های آن جناب بهره فراوان بردم، ابراز دارم و برای آن عزیز الوجود از خدای تعالی رحمت و لطف و سلامت طلب کنم.

فرجامین سخن آن‌که: ای کریمه! ای آینه تمام‌نمای زهرای صدیقه! ای مخاطب خطاب «فداها ابوها!» و ای خواهر گرامی سلطان عالم، علی بن موسی الرضا - علیه السلام - این وجیزه گرچه ناقابل، ولی بهانه‌ای است برای عرض ادب و ارادت به ساحت قدسی‌ات که گوشه چشمی از تو ما را برای ازل تا به ابد بس.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

۱- دعای عرفه امام حسین - علیه السلام -

## چکیده

هدف از این تحقیق بررسی «مراتب تجرد نفس از دیدگاه فیلسوفان مسلمان با تأکید بر آری فخر رازی و علامه طباطبایی» می‌باشد.

تجرد نفس، به معنای مغایرت و غیریت حقیقت وجود انسان با جسم و جسمانیات است و اینکه جوهر حقیقی وجود انسانی، عبارت است از روح الهی و نفخه ربانی که مخاطب به خطاب «نفخت فیہ من روحی» است.

در این تحقیق ما به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی نفس و تجرد و نیز تعریف منطقی و حقیقت و ماهیت نفس از دیدگاه فیلسوفان می‌پردازیم.

سپس دلایل تجرد نفس به‌ویژه از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبایی ذکر و بررسی و تحلیل شده است.

مرحله بعد به بررسی مراتب تجرد نفس و دلالت هر یک از ادله فصل قبل بر این مراتب اختصاص دارد. این مراتب عبارتند از: مغایرت نفس و بدن، تجرد برزخی نفس، تجرد عقلی و تجرد فوق عقلی. در نهایت به بررسی و مقایسه آرای دو اندیشمند و متفکر فیلسوف و متکلم اسلامی، یعنی مرحوم آیت الله علامه طباطبایی - قدس الله نفسه الزکیه - و دیگری جناب فخر رازی در بازه مراتب تجرد نفس پرداخته شده است.

آنچه در این تحقیق به دست می‌آید، آن است که فخر رازی و علامه طباطبایی در آثار خویش تا چه اندازه و به چه دلایلی بر تجرد نفس پرداخته‌اند و هر یک از آنها بر کدام یک از مرتب تجرد نفس دلالت دارد.

کلید واژه‌ها: نفس، تجرد نفس، مراتب تجرد نفس، مغایرت نفس و بدن.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
بیان مسأله	۸
اهداف پژوهش	۸
اهمیت پژوهش	۸
پرسش‌های پژوهش	۹
پیشینه پژوهش	۱۰
روش پژوهش	۱۰

## فصل اول: کلیات

تعاریف	۱۳
الف - معنای لغوی نفس	۱۳
ب - معنای اصطلاحی و تعریف نفس	۱۵
تعریف دیگری از نفس	۲۴
آیا تعریف نفس امکان‌پذیر است؟	۲۵
نتیجه‌گیری تعریف نفس	۲۷
ج - حقیقت نفس	۲۸
نظر ارسطو	۳۰
نظر ابن سینا	۳۵
نظر فخر رازی	۳۹
حکیم ناصر خسرو قبادیانی	۴۲
نظر میر فندرسکی	۴۵
نظر شیخ بهایی	۴۷
نظر محقق طوسی	۴۸
نظر صدر المتألهین	۴۸
علامه طباطبایی	۵۷
نتیجه و جمع‌بندی حقیقت و معنای نفس	۵۸
چرا نفس انسان را ناطقه گفته‌اند؟	۵۸

## فصل دوم

### دلایل تجرد نفس از دیدگاه فیلسوفان مسلمان با تأکید بر آرای فخر رازی و علامه طباطبایی

بخش اول: دلایل نقلی.....	۶۷
الف: آیات قرآن.....	۶۷
ب: روایات.....	۸۱
بخش دوم: دلایل عقلی.....	۹۶

## فصل سوم

### مراتب تجرد نفس

مقدمه.....	۱۸۲
بخش اول: تجرد مطلق نفس ناطقه.....	۱۸۶
الف: دلایل نقلی.....	۱۸۶
آیات قرآن.....	۱۸۶
روایات.....	۱۹۱
ب: دلایل عقلی.....	۲۰۹
نتیجه گیری.....	۱۹۵
بخش دوم: تجرد برزخی.....	۱۹۶
الف: دلایل نقلی.....	۱۹۹
آیات قرآن.....	۱۹۹
روایات.....	۲۰۰
ب: دلایل عقلی.....	۲۰۰
نتیجه گیری.....	۲۰۲
بخش سوم: تجرد عقلی.....	۲۰۳
الف: دلایل نقلی.....	۲۰۵
آیات قرآن.....	۲۰۵
روایات.....	۲۰۶
ب: دلایل عقلی.....	۲۰۶
نتیجه گیری.....	۲۱۲

۲۱۳.....	بخش چهارم: تجرد فوق عقلی
۲۱۶.....	الف: دلایل نقلی
۲۱۶.....	آیات قرآن
۲۱۶.....	روایات
۲۱۸.....	ب: دلایل عقلی
۲۲۲.....	نتیجه گیری

## فصل چهارم

### بررسی آرای فخر رازی و علامه طباطبایی

۲۲۴.....	بخش اول: آشنایی با فخر رازی و علامه طباطبایی
۲۲۴.....	الف- زندگینامه علامه سید محمد حسین طباطبائی - قدس سره
۲۲۸.....	ب- زندگی نامه فخر رازی
۲۳۲.....	بخش دوم: بررسی و مقایسه آرای ذکر شده
۲۳۲.....	بررسی دلایل ذکر شده از فخر رازی
۲۳۲.....	دلایل نقلی
۲۳۳.....	دلایل عقلی
۲۳۴.....	بررسی دلایل ذکر شده از علامه طباطبایی
۲۳۵.....	دلایل نقلی
۲۳۵.....	دلایل عقلی
۲۳۵.....	مقایسه آرای فخر رازی و علامه طباطبایی پیرامون مراتب تجرد نفس
۲۴۴.....	فهرست منابع



## مقدمه

علم طلب کنید ولو در چین باشد و آن معرفت نفس است که در آن معرفت رب وجود دارد.<sup>۱</sup>

انسان زیرک کسی است که خود را بشناسد و کارهای خود را پاک و خالص گرداند.<sup>۲</sup>

عارف حقیقی کسی است که نقص خود را بشناسد، و از هر چه که آن را دور گرداند و به هلاکت اندازد پاک گرداند.<sup>۳</sup>

پر سودترین شناخت، شناخت نفس است.<sup>۴</sup>

به بزرگترین پیروزی و رستگاری نائل گشته کسی که به شناخت نفس دست یابد.<sup>۵</sup>

برترین حکمتها آن است که انسان نفس خویش را بشناسد و در مرز خویش بایستد (و از حد خود تجاوز نکند).<sup>۶</sup>

برترین خرد و دانایی آن است که انسان نفس خویش را بشناسد که هر کس نفس خود را شناخت دانا شد و هر کس آن را نشناخت گمراه گردید.<sup>۷</sup>

---

۱- وَقَالَ عَلِيُّ عِ اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ وَ هُوَ عِلْمُ مَعْرِفَةِ النَّفْسِ وَ فِيهِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ.

۲- الكيس من عرف نفسه و أخلص أعماله

۳- العارف من عرف نفسه فاعتقها، و نزهها عن كل ما يبعدها و يوبقها.

۴- معرفة النفس انفع المعارف.

۵- نال الفوز الاكبر من ظفر بمعرفة النفس

۶- افضل الحكمة معرفة الانسان نفسه و وقوفه عند قدره.

۷- افضل العقل معرفة الانسان نفسه، فمن عرف نفسه عقل و من جهلها ضل.

کسی که خود را بشناسد از علایق دنیا و مادیات مجرد و برهنه گردد.<sup>۱</sup>  
که نفس خود را نشناسد آن را واگذارد.<sup>۲</sup>

من عرف نفسه عرف ربّه.

کسی که خود را نشناسد نسبت به شناخت دیگران نادان تر خواهد بود.<sup>۳</sup>

کسی که خود را بشناسد دیگران را بهتر بشناسد.<sup>۴</sup>

کسی که خود را بشناسد به نهایت هر علم و شناختی رسیده است.<sup>۵</sup>

کسی که خود را نشناسد از راه رستگاری دور گردد، و خود را در گمراهی و نادانیها

در اندازد.<sup>۶</sup>

آگاه باشید که جانهای شما را جز بهشت بهایی دیگر نیست، پس آنها را جز به بهشت

نفروشید.<sup>۷</sup>

چگونه اصلاح می کند دیگران را کسی که خود را اصلاح نمی کند.<sup>۸</sup>

چگونه به عدالت رفتار کند در باره دیگران کسی که به خود ظلم می کند.<sup>۹</sup>

به هر اندازه علم و دانش مرد زیاد شود، عنایت و توجه او به نفس خود زیادتر گردد،

و تلاش و کوشش خود را در مهار کردن و اصلاح آن بیشتر بذل کند.<sup>۱۰</sup>

---

۱- من عرف نفسه تجرّد.

۲- من جهل نفسه أهملها.

۳- من جهل نفسه كان بغير نفسه اجهل.

۴- من عرف نفسه فهو لغيره اعرف.

۵- من عرف نفسه فقد انتهى الى غاية كل معرفة و علم.

۶- من لم يعرف نفسه بعد عن سبيل النجاة و خبط في الضلال و الجهالات.

۷- الا انه ليس لانفسكم ثمن الا الجنة فلا تتبعوها الا بها.

۸- كيف يصلح غيره من لا يصلح نفسه.

۹- كيف يعدل في غيره من يظلم نفسه.

۱۰- كلما ازداد علم الرجل زادت عنايته بنفسه، و بذل في رياضتها و صلاحها جهده.

به راستی که نفس گوهری است گرانبها که هر که نگهداریش کند، او را بلند گرداند، و هر که آن را به حال خود واگذارد پست و خوارش کند.<sup>۱</sup>

هدفم از نقل این کلمات گهربار، در ابتدا آن بود که صدر این نوشتار را به در کلمات امیر: بیان، مزین کنم و از آن پس، توجه و تذکری برای خویش و هر که مانند اوست باشد که بداند در چه حوزه عظیم و شگفت‌انگیزی قدم نهاده است.

به راستی از وجود انسان و اسرار نهفته در آن، شگفت‌انگیزتر در وجود چیست؟ ذات ربوبی که عنقای مغرب است و دسترسش مقدر کس نه، اما پس از آن چه موضوعی بلند قدرتر از وجود انسان و شناخت آن می‌توان مثال زد.

این وجود سراسر اسرار آمیز که شایستگی خلافت الهی پیدا کرد و آنگاه که بار امانت عاشقانه و محبانه بر دوش نهاد، به وصف «انه کان ظلوماً جهولاً» ستایش شد. شگفتی آنگاه به اوج خود می‌رسد که بر طبق سخنان گوهر بار راسخان در علم و نمونه‌های عالی وجود انسانی، شناخت گوهر وجود انسان را، مسیر و نردبان معرفت حق و رب قرار می‌گیرد. آنجا که فخر کائنات ندای «ما عرفناک» سر می‌دهد، آیا می‌توان گفت که در معرفت حقیقت وجود انسان نیز دست‌نیافتنی است؟

به گمانم باید خامه بر زمین نهاد و دم فروبست که جز حیرت نیفزاید.

از ارکان مهم پژوهش‌های مقبول در زمانه ما، آن است که پژوهش مسأله محور باشد و به راستی مسأله‌ای مهم‌تر و حل‌ناشده‌تر از «معرفت نفس» وجود دارد؟ کافی است قدری به جهان پیرامون نظری بیندازیم. برآستی اگر معرفت نفس به اصطلاح امروزی، نهادینه شده بود، آیا امروز شاهد این همه ظلم و بی‌عدالتی و زیرپا گذاشتن حقوق بشر بودیم؟ و آیا استفاده از تمدن، فناوری و همه مصنوعات دست بشر، در محمضه استفاده صلح آمیز و غیر آن اسیر می‌شد؟

---

۱- ان النفس لجوهرة ثمينة من صانها رفعا، و من ابتذلها وضعها.

اینجاست که مرور کلمات نورانی سطرهای گذشته، ما را به اهمیت معرفت نفس آگاه می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید: چگونه اصلاح می‌کند دیگران را کسی که خود را اصلاح نمی‌کند؟ چگونه به عدالت رفتار کند درباره دیگران، کسی که به خود ظلم می‌کند؟ و البته اینها نتایجی است که از ثمرات بسیار فرودین معرفت نفس و آن‌هم در دنیاست و الا انسان موجودی است ازلی و ابدی و راهی در پیش دارد بس دراز، که توشه‌ای جز خویش و معرفت خویشتن خویش ندارد. بگذاریم و بگذریم.

اندکی بر خرمن فضل گفته‌های اهل معرفت می‌نشینیم تا از این سفره پرفیض بهره ببریم.

«برای پی بردن به اهمیت مسأله وجود و تجرد نفس همین نکته کافی است که صدر المتألهین رأس تمام منکرات و گناهان و انحرافات را در انکار تجرد نفس دانسته است.»<sup>۱</sup>

استاد شهید مطهری در عظمت این مهم می‌فرمایند:

«مسأله روح و نفس و بقای روح پس از مرگ، از امهات معارف اسلامی است. نیمی از معارف اصیل غیر قابل انکار اسلامی، بر اصالت روح و استقلال آن از بدن و بقای بعد از مرگ آن استوار است؛ همچنان که انسانیت و ارزش‌های واقعی انسان بر این حقیقت استوار است و بدون آن همه آنها موهوم محض است.»<sup>۲</sup>

اثبات تجرد نفس آثار و ثمرات فراوانی دارد که آن را جزء با ارزش‌ترین معارف قرار داده است. اصالت و استقلال نفس، بقای پس از مرگ و نیز سعادت و شقاوت برزخی و اخروی، افتادن پرده‌های مادی و حجاب‌های ظلمانی پس از مرگ در حیات برزخی و اخروی، از رهگذر تجرد نفس قابل توجیه‌اند.

قاضی سعید قمی می‌فرماید:

---

۱- احمد عابدی، ترجمه و شرح رساله زیارت القبور فخر رازی، (قم: زائر، ۱۳۷۶).

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، (قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۹)، ج ۲، ص ۵۰۷.

«ارسطوطاليس در اثولوجيا<sup>۱</sup> می فرماید که جمعی که انکار تجرد نفس می کنند، فی الحقیقه انکار ذات خود کرده اند؛ چه اگر اندکی به فکر خود و ذات خود افتاده باشند، بالبدیهه می دانند که در ایشان بعضی امور هست که وقوع آنها از جسم و جسمانی محال است، مثل تمیزات صحیحه و شعور به امور کلیه خفیه. لیکن می شاید که این طبقه را ادراک و شعور نبوده باشد، بلکه همچنین خواهد بود که اگر شعور می داشتند، منکر عقل و شعور نمی بودند چرا که هر چیز را به آن چیز می توان دانست کما لایخفی.»<sup>۲</sup>

آیت الله حسن زاده آملی در اهمیت این موضوع عالی می فرماید:

«این همه تأکید و تشدید رجال الهی در باب معرفت نفس بدین سبب است که شبهات مردم متوغل در ماده را رفع کنند و آنان را از در نفس با ماورای طبیعت آشنا سازند تا مدینه فاضله تشکیل دهند و عقول مردم را روشن کنند و به سوی کمالشان که لقاء الله است، سوق دهند و آنان را از انس به لذائذ مجازی حیوانی باز بدارند و به معادشان که محض دین است، توجه دهند و آنان را آشنا سازند که تمام افعال و اقوال و نیات انسان در وی اثر می گذارند که جزا نفس عمل است و علم و عمل انسان سازند و هر کس مهمان سفره کردار و گفتار و پندار خود است؛ تا از بدی ها پرهیزند و ستم بر خویشان و بر دیگران روا ندارند و سعادت ابدی خود را تحصیل کنند.»<sup>۳</sup>

شیخ بهایی سخنی شیرین و بس خواندنی در این مقام دارد:

«و عقلا در حقیقتش متحیر مانده و بسیاری از آنان به عجز خویش از معرفت آن اعتراف کرده اند. حتی از یکی از اعلام است که گفته: فرمایش امیرمؤمنان علی (علیه السلام) که فرمود: «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، بدین معناست که همچنان که نیل به معرفت نفس محال است، نیل به معرفت رب نیز محال می باشد و خدای عز و علا فرموده

۱- اکنون ثابت شده است که اثولوجیا متعلق به افلوپین است و نه ارسطو.

۲- محمد مفید قاضی سعید قمی، کلید بهشت؛ با مقدمه و تصحیح محمد مشکوة، [بی جا]: انتشارات

زهرا، ۱۳۶۲.

۳- حسن حسن زاده آملی، گنجینه گوهر روان، (قم: نثر طوبی، ۱۳۸۰)، ص ۸۸.

است: «و يسألونك عن الروح قل الروح من امر ربي و ما اوتيتم من العلم الا قليلاً»<sup>۱</sup> و این مؤید است آنچه را که ما گفتیم.»<sup>۲</sup>

و اما این پژوهش، جستاری است در شناخت گوهر وجود انسان، از آن حیث که نخست، حقیقتی است ورای این جسم و هیكل مخصوص و مزاج متعلق بدان و در مرحله بعد این که این گوهر شریف از ماده و جسم به کلی مبرا و مجرد است و چند روزی در این دار طبیعت از ابزار و آلات جسمانی و مادی برای اغراض خویش مدد می‌گیرد و سپس آن را رها می‌سازد.

و سرانجام آنکه در این تجرد از ماده و جسم، نفس برای خویش عوالم و مراتبی دارد و در مراتب مشکک آن سیر و سیاحت می‌کند و از حضيض ناسوت تا اوج لاهوت تواند که پر کشد و این «انسان طبیعی و مثالی و عقلی و الهی است.»<sup>۳</sup>

و اما این منازل و مراتب عبارتند از: تجرد برزخی، تجرد تام عقلی و تجرد اتم فوق عقلی که و هر یک از این مراتب دلایل خاص خود را دارند.

تفصیل مذکور در تجرد نفس ناطقه در حکمت متعالیه عنوان شده است و در کتاب‌های پیشینان فقط از تجرد گوهر نفس به طور مطلق بحث شده است.<sup>۴</sup>

آیت الله حسن زاده آملی در اشاره به این مراتب می‌فرمایند:

«و این انسان دارای مراتبی است و اگر خواهی بگو: نفس دارای مراتبی است، پس در مرتبه‌ای طبع و در مرتبه‌ای خیال و در مرتبه‌ای عقل است. پس خیال تشبیه و تصویرگری نفس است و عقل مرتبه تنزیه نفس می‌باشد. پس وی روحی است که متمثل می‌شود و

---

۱- سوره اسراء، آیه ۸۵.

۲- شیخ بهایی، اربعین، تقدیم و تعلیق عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، (قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۳)، ابتدای شرح حدیث چهلیم.

۳- حسن حسن زاده آملی، شرح العیون فی شرح العیون، ترجمه ابراهیم احمدیان و دیگران، (قم: مؤسسه انتشارات قیام، ۱۳۸۰)، شرح عین ۴۴، به نقل از اسفار، ج ۳، ص ۵۶.

۴- حسن حسن زاده آملی، گنجینه گوهر روان، ص ۹۰.

مجردی است که متجسد می‌گردد، بدون این که از مقام عالی خود تنزل پیدا کند؛ در عین دنو عالی است و در عین علو دانی است. پس این انسان دارای مراتب و نشئات می‌باشد؛ به حسب نشئه طبیعی از نفسش خبر می‌دهد که در خانه و در بازار و در این مکان و در این زمان است و به حسب عالم مثالی‌اش از خود خبر می‌دهد که با مثل انبیا و اولیا و صلحا و دیگر ارواح و مثل‌های برزخی محشور است و به حسب عالم عقلی‌اش از خود خبر می‌دهد که در دیار مرسلات و ملکوت زمین و آسمان‌ها سیر می‌کند و کلمات تامات را می‌خواند و دارای مکاشفات عقلی فوق مثالی است و بر وی دهشت رعشه آور و جذبه قدسی بدون مثال طاری می‌شود و به حسب اصل الهی‌اش از خود به این سخن بجزبر می‌دهد که: «لسی مع الله وقت لایسعنی فیه ملک مقرب و لا نبی مرسل»، یعنی مرا با خدای وقتی است که در آن فرشته مقرب و پیامبر مرسل نمی‌گنجد. و نکره در سیاق نفی مفید عموم است.

وقتی معارج نفس را فهمیدی و مراتب فوق تجرد وی را دانستی، بر تو معلوم گردید که نفس انسانی مقامی معلوم در هویت و درجه‌ای معین در وجود ندارد، بر خلاف دیگر موجودات طبیعی و نفسی و عقلی که هر کدام دارای مقامی معلومند، بلکه نفس انسانی دارای مقامات و درجات متفاوت و نشئات سابق و لاحق می‌باشد و برای آن در هر مقام و عالمی صورت دیگری است و دانستید که قرائت صحیفه نفس همانند قرائت مصحف کریم، دارای مراتبی است و نیز آن را بطنی است و برای بطنش بطنی تا هفت بطن بلکه تا هفتاد بطن، پس بخوان و بالا برو!»<sup>۱</sup>

فارابی در تعریف سعادت در مدینه فاضله به ایجاز و خوش فرمود که: «سعادت این است که نفس انسان از کمال وجود به جایی برسد که در قوامش به ماده نیازمند نباشد و تحقق آن به آن مرتبه، به این است که از زمره اشیایی قرار گیرد که از اجسام برهنه‌اند و

---

۱- حسن حسن زاده آملی، شرح العیون فی شرح عیون مسایل النفس، عین ۴۴.

این که از زمره جواهر جدای از ماده قرار گیرد و این که بر همین حال به طور مداوم باقی بماند.<sup>۱</sup>

بنابراین کمال آدمی آن است که نخست خویش را بشناسد و سپس از این گنجینه نورهای الهی به درستی بهره ببرد و استعداد و توانایی خویش را در مسیر لقای الهی به کار گیرد.

### بیان مسأله

شناخت گوهر جان آدمی، مسأله‌ای است که از آغاز پیدایش تفکر، بشر با آن دست به گریبان بوده است و این مهم دغدغه همیشگی اصحاب تفکر بوده است. آنچه که بین همه اهل تفکر و معرفت مورد اتفاق و توافق می‌باشد، این است که گوهر وجودی انسان امری فراتر از ماده و جسم است، گرچه در این دار طبیعت چندی به تدبیر بدن و جسد اشتغال دارد.

اما آنچه در این نوشتار بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، آن است نفس انسان یک مرتبه واحد از تجرد ندارد، بلکه تجرد امری تشکیکی است که نفس از ابتدای تعلق به بدن تا پس از مرگ در درجات مختلف آن سیر می‌کند. تجرد غیر تام برزخی، تجرد تام عقلانی و تجرد تام فوق عقلانی، مراتبی است که نفس انسانی در آن پگام بر می‌دارد.

### اهداف پژوهش

جمع‌بندی کلمات مختلف فیلسوفان و متفکران اسلامی در حوزه تجرد نفس و مراتب آن، اهدافی است که پژوهش حاضر در پی آن است.

### اهمیت پژوهش

۱- ابونصر فارابی، *آراء اهل المدینة الفاضلة*، ترجمه و شرح جعفر سجادی، (تهران: شورای عالی

فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴)، ص ۶۶.



من عرف نفسه فقد عرف ربه؛ اگر همین یک کلام از ائمه هدی □ به ما رسیده بود و بس، ما را برای تکلیف شدن به معرفت نفس کافی بود. معرفت نفس را عالمان «ام المعارف» (مادر معارف) نام نهاده‌اند و تا بدانجا بدان ارج نهادند که برخی از فیلسوفان گفته‌اند: «و حدّوه ايضاً فقالوا: الفلسفة معرفة الانسان نفسه و هذا القول شريف النهاية بعيد الغور»<sup>۱</sup> یعنی فلسفه عبارت است از خودشناسی.

جناب صدر المتألهين می‌فرماید:

«مفتاح العلم بيوم القيامة و معاد الخلائق هو معرفة النفس و مراتبها»<sup>۲</sup>

کلید علم به روز قیامت و معاد آفریدگان، شناخت نفس و مراتب آن است.

«معرفة النفس و أحوالها أم الحكمة و أصل السعادة و لا يصل إلى درجة أحد من

الحكماء من لا يدرك تجردها و بقاءها على اليقين.»<sup>۳</sup>

شناخت نفس و احوال آن، ریشه حکمت و اصل سعادت است و کسی که تجرد و

بقای نفس را به یقین درک نکند، به درجه حکما نمی‌رسد.

### پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش به پرسشهای زیر پاسخ داده خواهد شد:

پرسش اصلی:

تجرد نفس از دیدگاه فیلسوفان مسلمان، دارای چه مراتبی است؟

پرسشهای فرعی:

---

۱- یعقوب بن اسحق کندی، رسائل الکندی الفلسفیه، حققها و اخرجها محمد عبدالهادی ابوریده، (مصر:

دارالفکر العربی، ۱۳۶۹ق)، رساله فی حدود الاشیاء و رسومها، ص ۱۷۳.

۲- صدرالدین محمد شیرازی، الأسفار الأربعة، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م)، ج ۹،

ص ۲۷۸.

۳- صدرالدین محمد شیرازی، المبدأ و المعاد، (تهران: انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۴)، ص ۶.

تعریف نفس چیست؟

حقیقت و ماهیت نفس عبارت از چیست؟

تجرد به چه معنایی است؟

معنای مغایرت نفس و بدن چیست؟

دلایل تجرد و مغایرت نفس از بدن چیست؟

هریک از دلایل تجرد نفس بر چه مرتبه‌ای از تجرد دلالت دارند و نحوه دلالت

چگونه است؟

آرای فخر رازی و علامه طباطبایی در این باره چیست؟

### پیشینه پژوهش

در حوزه‌های پایان‌نامه‌های دانشجویی موضوع حاضر تازگی دارد و این نخستین بار است که به موضوع مراتب تجرد نفس پرداخته می‌شود. پیش از این در حد اطلاعاتی که در سامانه مدارک علمی وزارت علوم ثبت شده است، دو یا سه نمونه پژوهش درباره تجرد نفس انجام شده است، ولی به موضوع مراتب این امر پرداخته نشده است.

اما در حوزه فراتر از پایان‌نامه‌ها، در بین فیلسوفان نیز این امر تا پیش از صدر المتألهین سابقه ندارد. اولین بار ملاصدرا بود که در اسفار به شرح مراتب تجرد نفس پرداخته است. گرچه در نوشته‌های پیشینیان اشاراتی به این موضوع به‌طور غیر مستقیم پیدا می‌شود، اما به صراحت کسی بدان نپرداخته است. اما پس از ملاصدرا، جناب حکیم ملاحادی سبزواری در مصنفات خود بدان پرداخته‌اند و در زمان معاصر علامه حسن‌زاده آملی چندی از نوشته‌های خود را به این موضوع شریف اختصاص داده‌اند.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر به‌طور طبیعی، روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر بررسی متون فلسفی است. پس از فراهم آوردن متون مورد نیاز، متن ادله تجرد نفس استخراج و سپس بازنویسی

گردیده است. پس از آن کار عنوان‌بندی ادله صورت پذیرفت و در نهایت دلالت هر یک از ادله بر مراتب مختلف مجرد نفس مورد بررسی قرار گرفته است. برای جامعیت و شمول بیشتر پژوهش بر مطالب مورد بحث، همچنین تحقیقی پیرامون معانی و تعاریف نفس انجام شد که در ابتدای نوشتار عرضه می‌شود.

# فصل اول

## کلیات